



۲۰۲۱/۰۹/۲۰



دوکتور میر عبدالرحیم عزیز

ایالات متحده هرگز مایل نبود که یک دولت متکی به خود در افغانستان ایجاد نماید

نویسنده: BrianBerletic ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز



رسانه های غربی درباره تحولات "تکان دهنده" در افغانستان صحبت می کنند، زیرا دولتی که ایالات متحده در "ایجاد" آن دو دهه صرف کرد در چند روز از صحنه خارج شد.

طالبان وارد کابل شدند و دفاتر و اتاق های ملاقات اشرف غنی، رئیس جمهور سابق افغانستان و اداره وی را که قبلاً از کشور فرار نموده، اشغال کرده اند. این در حالی است که خروج امریکا حتی به پایان نرسیده است.

لاکن آیا این واقعاً تکان دهنده است؟

نباید تکاندهنده باشد. ایالات متحده هرگز قصد ایجاد دولتی قوی، مستقل و پایدار در افغانستان را نداشت. اشغال افغانستان توسط ایالات متحده هرگز در مورد "ملت سازی" نبود. این همیشه تمرینی بود برای تسلط و تفوق طلبی امریکا تا یک محل ژئواستراتژیک را در آسیای مرکزی و هم سرحد با دشمنان متعدد ایالات متحده از جمله چین، پاکستان و ایران و چندین کشور مربوط به شوروی تصرف نموده که برای ستراتیژی واشنگتن در محاصره نمودن روسیه ضروری پنداشته میشود.

در حقیقت، اشغال افغانستان توسط امریکا در اصل حلقه زنجیره‌ئی بود که سه مهمترین ستراتیژی محاصره ژئوپلیتیک واشنگتن- محاصره ایران، روسیه و چین- را که با افغانستان سرحد دارند، تشکیل میداد.

یک دولت واقعاً قوی، پایدار و متکی به خود در افغانستان- اگر ایالات متحده چنین چیزی را از سال ۲۰۰۱ تا به امروز ایجاد کرده بود، با دورنمای پیوستن به ابتکار کمربند و جاده چین (BRI) روبرو بود. واضح است که یک دولت واقعاً قوی و مستقل در افغانستان برای اینکه یک ملت منزوی و محصور به خشکه را تغییر دهد، ضرورت داشت که معاهداتی را برای دسترسی به یک دهلیز تجارت و ترانزیت، تأمین حق امتیاز و توسعه در داخل سرحدات خود و در عین حال تسهیل رشد اقتصادی فراتر از آنها در سراسر منطقه امضا نماید.

ایالات متحده از همان آغاز هرگز به طور جدی قصد ایجاد چنین دولتی را نداشت و به افغانستان هم اجازه نداد سیاستی را تعیین کند که واقعاً در خدمت منافع مردم افغانستان باشد - زیرا خدمت به منافع مردم افغانستان به قیمت بلند پروازی های ژئوپلیتیک واشنگتن تمام میشد.

فهم این نکته به درک این موضوع کمک می کند که چرا پس از دو دهه ایالات متحده در ایجاد دولت یا جامعه ای ناکام ماند که افغان ها پس از هرگونه خروج امریکا از منطقه، علاقه مند به جنگیدن و حمایت از آن باشند.

امپراتوری ها در طول تاریخ همیشه در مورد ایجاد مناطق محلی، وابسته، مستعمرات و رژیم های متکی به خود کوشیده اند. سعی برای جلوگیری از توسعه سیاسی، اقتصادی یا نظامی طور خاص به کار می افتد که مانع یک ملت تحت سلطه از وابستگی به سمت استقلال میشود. فروپاشی برق آسای دولت افغانستان که به نظر می رسد قبل از پایان خروج ایالات متحده رخ داده است، نشان می دهد که چه مقدار بی مفهومی در طرح "بازسازی" ایالات متحده وجود داشته است.

بعد چه؟

حد اقل سه نمایشنامه وجود دارد.

اولاً، بسیار ممکن است که موقف ایالات متحده در افغانستان، هرچند که ژئواستراتژیک، دیگر قابل دفاع نباشد که این کشور را مجبور به عقب کشیدن قوای خود کرده و سرانجام همانند جنوب ویتنام در ۱۹۷۵ عقب نشینی نماید.

ثانیاً، این احتمال همچنان وجود دارد که ایالات متحده در حال خروج از افغانستان به همان شیوه ای است که در سال ۲۰۱۱ از عراق خارج شد. در عراق گروهی به نام دولت اسلامی را به وجود آورد(داعش) - یک سازمان تروریستی که ایالات متحده و متحدان منطقه‌ئی آن در واقع حامی آن بودند. به عنوان بهانه، با استفاده از داعش، "بازگشت" امریکا به عراق شامل حمله و اشغال بخشی از خاک سوریه در شرق رود فرات بود. هم اکنون عراق و سوریه همچنان تحت اشغال نیروهای امریکائی قرار دارند - و به طور خاص به عنوان وسیله ای برای مقابله با ایران و تحت فشار قرار دادن دولت سوریه که علیه داعش به مبارزه بر نخیزد. ایالات متحده، با اجازه دادن به طالبان برای تصرف آشکار کشور و تلاش رسانه های غربی برای نشان دادن اینکه تمام "پیشرفت" موفقیت آمیز امریکا که در حال از بین رفتن است، میتواند توجیهی برای افزایش غیر قابل پذیرش قوا در کشور باشد.

ثالثاً، آنچه بیشتر محتمل است که ایالات متحده از افغانستان خارج میگردد و در عوض از قرار دادی ها و قوای عملیات اختصاصی برای اداره گروه های افراطی در مناطق دور افتاده کشور خارج از دسترس طالبان به منظور صدور وحشت به کشور های همسایه مانند چین، پاکستان و ایران استفاده خواهد کرد. برای سیاست گذاران واشنگتن، این بدان معنی است که افغانستان همچنان به عنوان یک محل اصلی برای دستیابی به اهداف کلیدی سیاست خارجی، در عین حفظ حداقل رد پا با استفاده از منابع کمتر مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

ایالات متحده در حال حاضر از تندروان در همه جا از شمال افریقا و خاورمیانه تا آسیای مرکزی و جنوبی حمایت می کند. در بسیاری از موارد، قسمت اعظم جنگ ها برای امریکا با اهداف تغییر رژیم در سراسر جهان اکنون از طریق این گروه ها انجام می شود. بطور مثال، هزاران شبه نظامی اویغور وجود دارند که در سوریه می جنگند و می توانند قبل از بازگشت به سین کیانگ چین در افغانستان صحنه سازی کنند. اگر این کار در زمان اشغال افغانستان توسط امریکا صورت میگرفت، امریکا به وضوح مقصر شناخته می شد. تندروان تحت حمایت امریکا مستقر در ایالت

بلوچستان در جنوب غربی پاکستان که هم سرحد افغانستان است نیز از خروج امریکا از افغانستان مستفید خواهند شوند و اکنون میتوانند که بدون مخدوش شدن نام واشنگتن کمک های مخفیانه بیشتری دریافت کند.

ماهیت تحقیر آمیز خروج کنونی امریکا به افزایش نفی قابل قبول برای واشنگتن کمک میکند که اگر و چه زمانی از افغانستان به عنوان تخته خیز برای تروریسم در آینده منطقه استفاده نماید. روایتی مبنی بر اینکه افغانستان قبل از حمله امریکا در ۲۰۰۱ برای تروریسم یک محل امن بود، همچنان میتواند به نحو مطبوعی برای امریکا نفی قابل قبول را آماده سازد که بتواند بسیاری را متقاعد سازد که این خود دلیل آن بوده است که این نوع تروریسم سرحدی قبلاً شایع نبوده و فقط بعد از عقب نشینی امریکا شیوع یافته است.

برای همسایگان افغانستان مهم است که در توسعه واقعی این کشور به تعقیب خروج امریکا به هر نوع دولتی که تشکیل میشود، کمک نمایند. اعمار زیرساخت های واقعی مورد نیاز و ایجاد نوعی توسعه اقتصادی واقعی که ضرورت به خلق یک دولت مستقل در کابل دارد، میتواند افغانستان محاط به خشکه را از انزوا برهاند.

طالبان به کشورهای مختلف در منطقه متعهد شده اند که به گروه های افراطی که هر یک از این کشورها را هدف قرار دهند، پناهگاهی در افغانستان داده نمی شود. همکاری های امنیتی باید این تعهدات را در عمل پیاده نموده و اطمینان حاصل کنند که هر سازمان تندرو که سعی نماید در خاک افغانستان پناه جوید، باید پیدا شده و از ریشه نابود گردد.

صرف نظر از اینکه چه اتفاقی می افتد و اینکه آیا خروج تحقیرآمیز امریکا از افغانستان یک شکست واقعی یا بخشی از ستراتیژی طولی المدت کاهش سیاست خارجی ایالات متحده است، یک چیز مسلم است- افغانستان یک نمونه بارز دیگر است چگونه پالیسی ایالات متحده در "تغییر یک نظام"، "ملت سازی"، "ارتقای دموکراسی" و مداخله به دنبال آن تنها تحقیر، مرگ و نابودی را به همراه دارد که هرکس که آنرا به پایان برساند باید از صفر شروع کند تا دوباره از نو بسازد. صحنه های هم دستار امریکائی که به شدت برای دستیابی جانی برای پرواز در حال جدال هستند، هشدار می دهد برای همکاران احتمالی امریکا در سراسر جهان شمرده میشود.

این یک هشدار و درس عبرت برای سائر گروه های مخالف در سراسر جهان به شمول جنوب شرقی آسیا است که معترضان "دموکراسی خواه" به دنبال حمایت ایالات متحده در برابر "بیجینگ" هستند- هشدار می دهد ایالات متحده واقعاً مدافع کی و چه است و آنچه که از آن استفاده می کند و واقعاً به آنهایی که مورد استفاده قرار گرفته چه اتفاق می افتد که بعد از پایان مصرف و مفید بودن شان، به دور انداخته می شوند.



برای مطالب دیگر دوکتور میر عبدالرحیم عزیز روی عکس کلیک کنید